



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۳۰

صص: ۶۸-۳۹

شاپا چاپی: ۶۱۲۱-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۵۲۱۸-۲۶۴۵



تأثیر ژئوپلیتیک مقاومت بر شکل‌گیری نظم جدید جهانی و الزامات نظم‌سازی عادلانه

احمد زارعان^۱

چکیده

حوادث و روندهای کنونی نشان می‌دهد نظم جهانی در حال تغییر است. در این میان، ظهور و شکل‌گیری محور مقاومت به عنوان یک کیان هویتی و یک مجموعه آگاهی بخش و هویت ساز منطقه‌ای در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پدیده‌ای است که بسیاری از مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی را دستخوش تغییر کرده است. بر این اساس، این مقاله ضمن بررسی تأثیر ژئوپلیتیک مقاومت بر شکل‌گیری نظم جدید جهانی به دنبال پاسخ به این سؤال است که الزامات نظم‌سازی عادلانه چیست؟ در این مقاله برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و برخط و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد نظم‌سازی بین‌المللی در دوران مدرن بر اساس چهار رویکرد «واقع‌گرا بودن»، «از بالا بودن»، «هژمونیک بودن» و «ملی‌گرایانه بودن» صورت گرفته است. در مقابل، نظم‌سازی مطلوب انقلاب اسلامی باید واجد خصایص اساسی «ایده‌گرا و واقع‌گرا بودن»، «از پایین بودن»، «غیرهژمونیک بودن» و «فراملی‌گرایانه بودن» باشد. ژئوپلیتیک مقاومت به عنوان مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی ضد نظم کنونی باید تلاش کنند نظم جهانی را بر اساس خصایص چهار گانه فوق شکل دهد. بررسی سوابق عملکرد محور مقاومت و توفیق نسبی این محور در نظم‌سازی در منطقه غرب آسیا و تأثیرگذاری بر نظم جدید جهانی نشان می‌دهد محور مقاومت در چارچوب و بر اساس این بایسته‌ها کنشگری کرده است.

کلیدواژه‌ها: مقاومت، ژئوپلیتیک مقاومت، نظم جدید جهانی، نظم‌سازی، نظم‌سازی عادلانه.

DOR: 20.1001.1.20086121.1403.23.103.2.7

۱. نویسنده مسئول: استادیار، مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی، پژوهشکده مطالعات بین‌المللی، جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

a.zarean@chmail.ir

مقدمه

صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل با استناد به حوادث و رویدادهای بین‌المللی و ظهور روندهای جدید بر این گزاره اتفاق نظر دارند که شرایط جهان در حال تغییر است. از یک سو، روند افول قدرت آمریکا به عنوان مهمترین و مؤثرترین بازیگر حامی نظم موجود سرعت گرفته است و از سوی دیگر قطب‌های جدید قدرت ظهور کرده‌اند. در حالی که فروپاشی شوروی پایان نظام دوقطبی را رقم زد تا دوام روند افول آمریکا نیز نظم کنونی حاکم بر جهان را تغییر خواهد داد و نظام تک‌قطبی با محوریت آمریکا دچار تغییر خواهد شد. مصادیق متعددی در مورد تغییر نظم حاکم بر نظام بین‌الملل وجود دارد. ضعیف شدن اتحادها و ائتلاف‌های پیشین و شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های جدید، افزایش مقاومت بازیگران معترض به نظم کنونی و هم‌افزایی آنها و افزایش قطبیت در نظام بین‌الملل نمونه‌ای از روندهای حاکم بر جهان است. افول قدرت آمریکا و سست شدن بنیان‌های هژمونی این کشور در اغلب مناطق ژئوپلیتیکی، ظهور چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان و هم‌وردی این کشور با آمریکا در این حوزه، بازخیزی روسیه و جنگ این کشور علیه اوکراین برای ممانعت از گسترش ناتو به شرق، ظهور اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی جدید مانند سازمان همکاری‌های اقتصادی و امنیتی شانگهای متشکل از کشورهایی که ۴۳ درصد جمعیت جهان و بیش از ۴۰ درصد اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده‌اند و موارد متعدد دیگر، نشانه‌هایی از این تغییرات است.

این حوادث و روندها نشان می‌دهد نظام بین‌الملل در دوران گذار قرار دارد و نظم جهانی در حال تغییر است. جان ایکنبری^۱ که اصطلاح «نظم جهان لیبرال»^۲ توسط او ارائه شده معتقد است با توجه به افول قدرت ایالات متحده آمریکا، ساختار جهانی قدرت دچار تحول شده و از یک نظام متمرکز به رهبری آمریکا به نظام چندقطبی تغییر ماهیت پیدا کرده است. از نظر او، وضعیت جدید ناشی از انتشار قدرت در عرصه جهانی و ظهور قطب‌های جدید قدرت است که به ظهور نظام چندقطبی منجر شده است (Ikenberry, 2014: 56).

1. John Ikenberry
2. Liberal world order

رهبر معظم انقلاب اسلامی این رویدادها و شرایط دوران گذار از نظم کنونی به نظم آینده را با مفهوم «پیچ تاریخی» معرفی و توصیف کرده‌اند: «ما امروز یا مواجه با یک پیچ تاریخی مهم هستیم یا در دل یک پیچ تاریخی مهم داریم حرکت می‌کنیم؛ این دومی شاید درست‌تر باشد. دنیا دارد تغییر می‌کند، [آن هم] تغییرات اساسی؛ تغییرات اساسی و بزرگ را نمی‌شود در ظرف یک هفته و یک ماه و یک سال فهمید؛ این‌ها بتدریج انجام می‌گیرد. باید مسلط باشید ببینید در دنیا چه دارد اتفاق می‌افتد، در کشور چه اتفاقی دارد می‌افتد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۰/۲۲).

ایشان یکی از تغییرات مهمی که در این پیچ تاریخی در حال وقوع است را تغییر در نظم جهانی معرفی کردند: «امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دو قطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود - آمریکا و شوروی؛ غرب و شرق - و در مقابل نظم تک‌قطبی‌ای که بوش پدر بیست و چند سال پیش اعلام کرد. بعد از خراب شدن دیوار برلین و از بین رفتن دستگاه مارکسیستی دنیا و حکومت‌های سوسیالیستی، بوش گفت امروز دنیا، دنیای نظم نوین جهانی، نظم تک‌قطبی آمریکا است؛ یعنی آمریکا در رأس دنیا قرار دارد. او البته اشتباه می‌کرد؛ بد فهمیده بود. از همان بیست سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز روزه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ ... لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. این جنگ او کراین را به نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد؛ این جنگ صرفاً یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند، ریشه‌های عمیقی است و آینده‌های پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۲/۶).

یکی از نشانه‌هایی که تغییر در نظم کنونی جهانی را تأیید می‌کند افزایش قابل توجه مقاومت بازیگران نظام بین‌الملل در مقابل قواعد، هنجارها و رژیم‌های مؤید و مقوم نظم کنونی است. اگر چه در سراسر قرن بیستم بسیاری از بازیگران فروملی، ملی و فراملی معترض به مناسبات، قواعد و هنجارهای حاکم بر روابط بین‌الملل اقدامات ارزشمندی را برای مقابله و تغییر این مناسبات، قواعد و هنجارها انجام دادند اما این اقدامات به نتایج ملموس منجر نشد. پس از جنگ جهانی دوم، نظم جدید جهانی بر اساس اراده قدرت‌های فاتح شکل گرفت. به عنوان نمونه در کنفرانس تهران که

در پاییز ۱۳۲۲ برگزار شد وینستون چرچیل، ۱ فرانکلین روزولت ۲ و ژوزف استالین؛ ۳ رهبران انگلستان، آمریکا و شوروی درباره چگونگی بودگی جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم مذاکره و گفتگو کردند. پس از جنگ جهانی دوم جهان عملاً به دو اردوگاه غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا و شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تقسیم شد و این دو کشور علیرغم رقابت و تقابل آشکار و پنهانی که با یکدیگر داشتند در مدیریت روندهای جهانی برای حفظ نظام دوقطبی تعامل می‌کردند. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، ایالات متحده آمریکا که زمینه را برای ایجاد نظم نوین تک‌قطبی و تثبیت هژمونی خود بر جهان مساعد می‌دید رویکردهای محتاطانه پیشین را کنار گذاشت و با اقدامات مختلفی مانند انقلاب‌های رنگی در کشورهای جداشده از بلوک شرق، جنگ علیه دولت‌های مخالف آمریکا که محور شرارت نامیده شدند، تحمیل رژیم‌های سخت علیه بازیگران ناهمسو و غیره تلاش کرد پایه‌های نظم جدید را تثبیت کند.

در چنین شرایطی، انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و نظم دوقطبی و تک‌قطبی را به چالش کشید و از خود، تأثیرات شگرفی بر نظام بین‌الملل باقی گذاشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم تأثیر انقلاب اسلامی بر محیط بین‌المللی را اینگونه توصیف کردند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

1. Winston Churchill
2. Franklin Roosevelt
3. Joseph Stalin

بر این اساس، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به عنوان یک انقلاب تمدنی و گسترش آن در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیرات عمیقی را بر نظم و نظام بین‌الملل از خود باقی گذاشته است و این تأثیرگذاری کماکان ادامه دارد. شکل‌گیری محور مقاومت به عنوان یک مجموعه دفاعی - امنیتی در منطقه غرب آسیا و تحقق ژئوپلیتیک مقاومت یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و الگوی بی‌بدیلی از نظم‌سازی در سطح منطقه‌ای است که می‌تواند بر روند نظم‌سازی بین‌المللی مؤثر باشد. با توجه به این که استقرار هر گونه نظم منطقه‌ای و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران و بازیگران بلوک مقاومت (اعم از دولتی و غیردولتی) را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد عدم توجه به روندهای شکل‌گیری نظم آینده و عدم کنشگری مؤثر در آن، تهدیدهای متنوع و خطرناکی را متوجه جمهوری اسلامی ایران و بازیگران همسو خواهد نمود. بر این اساس، لازم است جمهوری اسلامی ایران و بازیگران بلوک مقاومت با نقش‌آفرینی مؤثر، منافع و امنیت خود را در نظم آینده بین‌المللی تأمین کنند.

این مقاله با مسلم دانستن این گزاره که در اثر برخی روندهای کلان جهانی، نظم بین‌المللی در حال تغییر است ضمن بررسی تأثیر ژئوپلیتیک مقاومت بر شکل‌گیری نظم جدید جهانی به دنبال پاسخ به این سؤال است که الزامات نظم‌سازی عادلانه چیست؟ در این مقاله برای گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای و برخط و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. قلمروی موضوعی این پژوهش نظم‌سازی بین‌المللی، قلمروی مکانی آن محیط بین‌الملل و قلمروی زمانی آن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.

۲. پیشینه پژوهش

فرزاد جهان‌بین و فتح‌اله پرتو در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای آینده نظام بین‌الملل و جایگاه جهان اسلام» استدلال کردند نظم بین‌الملل در دوران پساجنگ سرد نظم در حال گذار از وضعیت تک‌قطبی به چندقطبی است و قدرت‌های نوظهور مانند چین، اتحادیه اروپا، روسیه، هند، ژاپن و جهان اسلام مهمترین قطب‌های آینده جهان به شمار می‌روند که در کنار ایالات متحده آمریکا به ایفای نقش جهانی خواهند پرداخت. از نظر آنها جهان اسلام به مدد ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، فرهنگی، منابع و انرژی، جمعیت و غیره، از توانایی مهمی برای ایفای نقش به عنوان یک قطب در نظام بین‌الملل آینده برخوردار است.

رشید رکابیان و حسین دلاور در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت کنونی نظم بین‌المللی، روندهای آینده و پیامد آن برای جمهوری اسلامی ایران» استدلال کرده‌اند پس از فروپاشی شوروی سلسله‌مراتب توزیع قدرت به صورت تک‌قطبی در آمد. اما بر اساس روندهای موجود و افزایش قدرت چین برای رقابت با آمریکا، نظم بین‌المللی تغییر خواهد کرد. از نظر آنها در چنین شرایطی، کشورهای نظیر ایران باید پیوند استراتژیک خود را با یکی از قدرت‌های بزرگ ایجاد یا تقویت کنند.

علی اسمعیلی اردکانی و مهدی میرمحمدی در مقاله‌ای با عنوان «ایران و نظم بین‌المللی جدید در پرتو وضعیت سه‌گانه سازنده، مخالف و پذیرنده» نتیجه گرفتند برای آن که جمهوری ایران یکی از عناصر سازنده نظم بین‌الملل در حال ساخت باشد، باید سه گام الگومحور را در پیش بگیرد. «اول آن که ظرفیت شناختی خود را در مورد مؤلفه‌های مادی و ایده‌هنجاری ملی، بدون هر گونه توهم درباره سنجش و قابلیت عملیاتی آن، ارتقاء دهد و در کنار آن، شناخت دقیق مناسبات و روندهای بین‌المللی، اعم از اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تحولات مفهومی و ابزاری مانند قدرت و رسانه را برای پیشبرد منافع ملی، در اولویت قرار دهد. دوم آن که اولویت امور سیاسی و تلاش برای اجماع ملی در داخل بنا به جایگاه تعریف شده برای کشور را در بالاترین سطح سیاست‌گذاری و همچنین، در سطح اجتماعی پیگیری کند. و در نهایت، کنشگری سیاست خارجی را در راستای افزایش سرمایه اجتماعی بین‌المللی تنظیم کند».

مصطفی کانر ۱ در مقاله‌ای با عنوان «بازیگر جنجالی نظام بین‌الملل: ایران» ۲ عواملی مانند خروج ایالات متحده از افغانستان، بحران روسیه و اوکراین و ظهور چین را نشانه‌هایی از حرکت نظام بین‌الملل از نظم تک‌قطبی به سمت نظم چندقطبی معرفی کرده است. از نظر او، جهان چندقطبی نوظهور قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران را افزایش خواهد داد. همچنین، نظم نوظهور به افزایش منابع هنجاری سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل منجر خواهد شد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اغلب اندیشمندان و پژوهشگران تغییر نظم بین‌المللی از تک‌قطبی به چندقطبی را سرنوشت محتوم روندهای کنونی می‌دانند. همچنین اغلب آنها بر افزایش نقش و تأثیرگذاری قدرت‌های نوظهور مانند چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران در نظم

1 . MUstafa Caner

2 . Controversial Actor of the International System: Iran

بین‌المللی جدید تأکید کرده‌اند. نوآوری این مقاله در مقایسه با پژوهش‌های موجود در رویکرد پژوهشی منتخب و تمرکز بر چگونگی تأثیرگذاری محور مقاومت به عنوان یک هویت فراگیر، یک کیان ژئوپلیتیکی و یک مجموعه دفاعی - امنیتی بر روند شکل‌گیری نظم جدید بین‌المللی است.

۳. مبانی نظری

نظم بین‌المللی یکی از موضوعات مهمی است که همه پارادایم‌ها و نظریه‌های روابط بین‌الملل در مورد آن مذاقه کرده و ایده‌های خود را پیرامون ماهیت، ساختار، بازیگران و فرایندهای نظم حاکم بر نظام بین‌الملل ارائه نموده‌اند. در بررسی انجام شده توسط متقی و رضایی، ۴ نوع نظم بین‌المللی بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل معرفی شده‌اند که عبارتند از نظم موازنه محور، نظم نهاد محور، نظم ایده محور و نظم عدالت محور.

جدول ۱. مشخصات انواع نظم‌های بین‌المللی بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل (متقی و رضایی، ۱۳۸۸)

نوع نظم	علل بی‌نظمی	ساختار نظام بین‌الملل	بازیگران نظام بین‌الملل	فرایند نظام بین‌الملل	ماهیت نظام بین‌الملل
موازنه محور (رنالیسم)	نبود موازنه قدرت	دولت محوری با توزیع نابرابر قدرت در میان دولت‌ها. بازیگران غیردولتی نماینده دولت‌ها هستند.	دولت‌ها با توانایی نابرابر اما با وظایف یکسان	بازی با حاصل جمع صفر و تعیین‌کنندگی ساختار در شرایط آنارشیک	حفظ موازنه قدرت جهت بقا و امنیت
نهاد محور (نهادگرایی لیبرال)	پیروی دولت‌ها از نفع شخصی، خودپرستانه و نبود همکاری	چندمحوری با توزیع تقریباً برابر قدرت میان دولت‌ها و مجموعه‌ای از بازیگران غیردولتی	نهادها و رژیم‌های بین‌المللی در کنار دولت‌ها	بازی با حاصل جمع متغیر و تعیین‌کنندگی ساختار در شرایط پیچیدگی	گسترش همکاری‌ها جهت رفاه هر چه بیشتر

جدول ۱. مشخصات انواع نظم‌های بین‌المللی بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل (متقی و رضایی، ۱۳۸۸)

نوع نظم	علل بی‌نظمی	ساختار نظام بین‌الملل	بازیگران نظام بین‌الملل	فرایند نظام بین‌الملل	ماهیت نظام بین‌الملل
ایده‌محور (سازمان‌گاری)	حاکم نبودن نظم کانتی	توجه به ساختارهای مادی و معنایی در نظام بین‌الملل و قوام‌بخشی دوجانبه ساختار و کارگزار	تاکید بر بازیگران دولتی به دلیل اهمیت تاریخی و نه اهمیت ذاتی آنها - به لحاظ نظری امکان جذب بازیگران غیردولتی وجود دارد	وجود سه نوع ساختار آنارشیک: هابزی (دشمن)، لاکه (رقیب) و کانتی (دوست)	منافع بازیگران زاده هویت آنهاست و در فرایند تعامل آموخته می‌شوند. ساختارهای شناختی مشترک به عنوان بستر منابع مادی، معنای لازم را برای کنشگران فراهم می‌کند.
عدالت‌محور (اقتصاد سیاسی)	توسعه نیافتگی و فقر و روابط ناعادلانه	ساختار مبتنی بر نظام سرمایه‌داری جهانی	شرکت‌های فراملی و طبقه سرمایه‌داری جهانی و دولت‌ها به نمایندگی از آنها	روابط بین‌المللی ناعادلانه بین‌المللی میان داراها و ندارها یا میان مرکز، شبه‌پیرامون و پیرامون	منفعت‌طلبی حداکثری

در تحلیل موضوعات و مسائل مرتبط با روابط بین‌الملل و راهبردهای سیاسی - امنیتی دولت‌ها، پارادایم واقع‌گرایی از جایگاه مهمی برخوردار است. بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان، از درپچه مفروضات واقع‌گرایی مسائل و موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. واقع‌گرایی، دارای رویکردهای نظری متعددی شامل واقع‌گرایی تاریخی، واقع‌گرایی کلاسیک، نواقع‌گرایی (واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی) و واقع‌گرایی لیبرال است. تیم

دان ۱ و برایان اشمیت ۲ معتقدند همه رویکردهای مختلف واقع‌گرایی با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند در سه موضوع با یکدیگر مشترکند:

- **آنارشی حاکم بر نظام بین‌الملل:** به عقیده واقع‌گراها، نظام بین‌الملل یک نظام آنارشیک است و نظام بین‌الملل در یک وضعیت ستیز دائمی قرار دارد.

- **دولت‌محوری:** دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل هستند. تمامی دولت‌ها در نظام بین‌الملل بازیگرانی عقلایی هستند و تمایل دارند منافع خود را تأمین کنند. نگرانی اصلی تمامی دولت‌ها حفظ بقا می‌باشد. دولت‌ها برای حفظ بقای خود نیروها و ظرفیت نظامی خود را افزایش می‌دهند و این امر ممکن است به معمای امنیت منجر شود.

- **موازنه قوا:** از آنجا که قدرت هر بازیگر تهدیدی برای دیگران است، تنها راه حل، جلوگیری از قدرت یافتن دیگران است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۵۴ - ۳۴۰).

بر پایه مفروضات پارادایم واقع‌گرایی، نظم جهانی بر پایه دو عنصر شکل می‌گیرد:
- مجموعه‌ای از قواعد رایج پذیرفته شده توسط بازیگران که کنش‌های بازیگران را محدود و مقید می‌کند؛

- موازنه قدرت که ضامن اجرای این قواعد است.

بنابراین، زمانی می‌توان از تغییر نظم جهانی سخن گفت که این دو عنصر اساسی تغییر کنند؛ یعنی از یک سو قواعد موجود اعتبار خود را از دست بدهند و از سوی دیگر، توزیع قدرت در سطح جهانی دچار تغییر شود (Karimi & et al, 2019: 7-8). بدیهی است بدون تغییر در موازنه قدرت، امکان تحقق قواعد جدید وجود نخواهد داشت. در دوران کنونی و متعاقب تغییر در موازنه قدرت جهانی، نظم کنونی تحت فشار تقاضاهای جدید از سوی بازیگرانی قرار گرفته است که خواهان به رسمیت شناخته شدن موازنه جدید قدرت در ابعاد مختلف آن هستند (متقی و رضایی، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

واقع‌گرایان معتقدند با توجه به این که نظام بین‌الملل یک نظام آنارشیک است، امنیت‌جویی و تضمین بقا از راه خودیاری مهمترین ویژگی نظام بین‌الملل است. از آنجا که همه بازیگران

1. Tim Dunne
2. Brian Schmidt

افزایش قدرت را به عنوان هدف اصلی خود برمی‌گزینند افزایش روزافزون قدرت دولت‌ها با عنوان اصلی‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل باعث ایجاد یک دور باطل و در نهایت معمای امنیت می‌شود. از نظر واقع‌گرایان، تنها راه غلبه موقت بر معمای امنیت ایجاد موازنه قوا است. استفن والتز^۱ معتقد است سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو پیش شرط «آنارشیک بودن نظام بین‌الملل» و «وجود دولت‌هایی که به دنبال بقاء خود هستند» وجود داشته باشد رخ خواهد داد (سیمبر و صالحیان، ۱۳۹۶: ۳۵).

۳. نظم بین‌المللی، تحولات و ویژگی‌های آن

نظم بین‌المللی بر اساس روابط ساختارمند موجود بین بازیگران در سطح بین‌المللی شکل می‌گیرد (Lake & et al, 2021). نظم بین‌المللی مستلزم سطحی از نظم، قابلیت پیش‌بینی و ثبات در شیوه‌هایی است که بازیگران با یکدیگر تعامل دارند. نظم بین‌المللی می‌تواند توسط یک بازیگر یا تعدادی از بازیگران ممتاز و قدرتمند تولید شود یا این که توسط تعداد زیادی از بازیگران که علیرغم وجود تفاوت در میزان قدرت آنها، در وضعیت نسبتاً برابر در فرایند نظم‌سازی شرکت می‌کنند. علاوه بر این، نظم بین‌المللی می‌تواند بر اساس رفتار هدفمند بازیگران خاص و محدودی ناشی شکل بگیرد یا این که در نتیجه براین رفتارها همه بازیگران و تعامل آنها با یکدیگر ایجاد شود. بر اساس عمدی بودن یا نبودن نظم‌سازی و همچنین متمرکز بودن یا پراکنده بودن قدرت، چهار نوع نظم به وجود می‌آید: نظم هژمونیک (نظم عمدی است و قدرت متمرکز است)، نظم متمرکز (نظم خود به خود است اما قدرت متمرکز است)، نظم مذاکره شده (نظم عمدی است اما قدرت پراکنده است) و نظم غیرمتمرکز (نظم خود به خود است و قدرت پراکنده است) (Lascurettes & Poznansky, 2021).

جدول ۲. گونه‌شناسی انواع نظم بین‌المللی (Lascurettes & Poznansky, 2021)

وضعیت تمرکز قدرت			
پراکنده	متمرکز		
نظم مذاکره شده	نظم هژمونیک	عمدی	وضعیت تعمدی بودن نظم‌سازی
نظم غیرمتمرکز	نظم متمرکز	غیرعمدی	

۱. Stephen Walt

نظم بین‌المللی به عنوان یک پدیده می‌تواند تغییر کند یا از بین برود و جای خود را به نظم جدیدی بدهد. معیار طبقه‌بندی در گونه‌شناسی تغییر نظم، سرعت تغییر نظم است. نظم بین‌المللی می‌تواند به سرعت از طریق فرآیندهای انقلابی یا به تدریج از طریق فرآیندهای تکاملی تغییر کند یا از بین برود (Lascurettes & Poznansky, 2021). انگیزه محرک برای ایجاد نظم بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ، مبارزه با بازیگران دیگر به جای مشارکت و همکاری با آنها بوده است. بازیگران مسلط در نظام بین‌الملل تنها زمانی ایجاد تغییرات اساسی در نظم بین‌المللی را دنبال می‌کنند که یک تهدید بزرگ جدید علیه امنیت یا برتری پایدار خود را درک کرده باشند. بنابراین، هدف از ایجاد نظم جدید، تضعیف، مهار یا نابودی موجودیت تهدید کننده است (Lascurettes, 2020).

پس از جنگ جهانی اول و در ارتباط با تشکیل جامعه ملل، وودرو ویلسون؛ رئیس جمهور ایالات متحده با ادعای ضرورت ایجاد سیستمی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از اصطلاح «نظم نوین جهانی» استفاده کرد. این در حالی بود که نظم سیاسی در اروپا برای چندین قرن وجود داشت و نظم اروپایی به نظم جهانی تبدیل شده بود. نمونه اولیه اصول حقوقی نظام روابط بین‌الملل در نتیجه صلح ۱۶۴۸ وستفاليا در اروپا ظهور کرد که به پایان جنگ ویرانگر سی ساله مذهبی در اروپای مرکزی منجر شد. نظم جدید بر دو اصل اساسی در سیاست خارجی استوار بود: «حفظ توازن قدرت بین‌المللی از طریق حمایت از ائتلاف ضعیف‌تر در برابر ائتلاف قوی‌تر و اولویت دادن منافع ملی بر سایر منافع مانند منافع مذهبی، عقیدتی و غیره». به عنوان مثال، اگرچه فرانسه یک کشور کاتولیک بود اما از ائتلاف ضعیف‌تر دولت‌های پروتستان در جنگ علیه امپراتوری هابسبورگ که برای برتری جهانی تلاش می‌کردند، حمایت کرد. کنسرت قدرت‌های بزرگ از قرن هفدهم تا اواسط قرن بیستم وجود داشت. البته جایگاه و رتبه قدرت‌های بزرگ در این کنسرت دائماً تغییر می‌کرد و هر از چندگاهی، یک قدرت جدید (روسیه و پروس) به کنسرت قدرت‌های بزرگ وارد یا یک قدرت در حال زوال (هلند) از آن خارج می‌شد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اتحادهای نظامی - سیاسی جدید در اروپا آن را به دو بلوک متضاد تقسیم کرد. این بلوک‌بندی منجر به جنگ جهانی اول شد که چشم‌انداز سیاسی جهانی و توازن قوا را تغییر داد. پس از جنگ جهانی اول، «جامعه ملل» به عنوان اولین نهاد

بین‌المللی تأسیس شد و تلاش کرد در شکل‌گیری اصول جدید روابط بین‌الملل تأثیر بگذارد. پس از جنگ جهانی اول، نظم جهانی جدید برای مدت کوتاهی وجود داشت اما تحولات بزرگی مانند ظهور اتحاد جماهیر شوروی، توسعه سلاح‌های جدید، رکود بزرگ، عدم تمایل آلمان به پذیرش محدودیت‌های تحمیلی و عوامل دیگر باعث آغاز یک جنگ دیگر در ابعاد جهانی شد. متعاقب جنگ جهانی دوم، نظم دیگری ایجاد شد که با نظم قبلی تفاوت چشمگیری داشت. اول این که در نظم جدید فقط دو قدرت قوی؛ یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی وجود داشتند و این دو قدرت جهانی، جهان را به دو بلوک نظامی تقسیم کردند. هسته نظامی موازنه‌سازی دو قطب جهانی، پیشبرد برنامه هسته‌ای و استراتژی بازدارندگی بود. ثانیاً نظم جدید مبتنی بر مبانی ایدئولوژیک بود که نظم جهانی قبلی فاقد آن بود.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، نظم جهانی دوقطبی را از بین برد و به ایجاد یک نظم تک قطبی با محوریت ایالات متحده آمریکا منجر شد. با این حال، نظم تک قطبی نیز در معرض تغییر قرار گرفته است. تغییر توازن قدرت اقتصادی به نفع کشورهای در حال توسعه یکی از پیشران‌های تغییر نظم کنونی و استقرار نظم جدید است. تضعیف اروپا، ادامه رکود در ژاپن، ظهور غول‌های اقتصادی در آسیا (چین و هند)، همچنین ظهور تعدادی از کشورهای به سرعت در حال توسعه (مکزیک)، بازخیزی روسیه و ظهور و قدرت‌یابی هویت‌های بین‌المللی قدرتمند باعث تضعیف پایه‌های نظم بین‌المللی کنونی شده است (Grinin, 2023).

دوره‌های نظم بین‌المللی را می‌توان به لحاظ زمانی با دوره‌های استعمار انطباق داد. استعمار در طول پانصد سال اخیر سه دوره مشخص را طی نموده است. در دوران استعمار کهنه، قدرت‌های بزرگ به طور مستقیم، با اعمال زور و از طریق اشغال نظامی بر کشورهای دیگر سلطه پیدا می‌کردند و اراده خود را محقق و منافع خود را تأمین می‌کردند. در دوره استعمار نو، قدرت‌های استعمارگر از طریق حاکمان بومی دست‌نشانده و با استفاده از روش‌های عمدتاً نیمه‌سخت فضای سیاسی و اقتصادی کشورها اشغال می‌کردند و از این طریق به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. در استعمار فرانو، قدرت‌های استعمارگر، از طریق رسانه‌ها و با استفاده از روش‌های نرم، فضای فکری و فرهنگی کشورها را اشغال نموده و سلطه خود را تحمیل می‌کنند (زارعی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۵).

جدول ۳. ادوار مختلف استعمار و انطباق آن با نظم‌های بین‌المللی (منبع: نگارنده)

استعمار کهنه	استعمار نو	استعمار فرانو
دوره زمانی	ابتدای قرن ۱۶ تا ۱۹۴۵	۱۹۹۰ تا کنون
واسطه استعمار	بی‌واسطه: حاکم نظامی منصوب	عامل بومی دست‌نشانده
روش استعمار	اشغال نظامی (سخت)	اشغال سیاسی - اقتصادی (نیمه سخت)
دوره‌های نظم بین‌المللی	دوره نظم وستفالیایی	دوره نظم دوقطبی
		دوره نظم تک‌قطبی

هر یک از ادوار استعمار با دوره خاصی از نظم بین‌المللی مقارن بوده است. دوره استعمار کهنه با دوران نظم وستفالیایی و نظم کوتاه بین دو جنگ جهانی اول و دوم همزمان بوده است. دوره استعمار نو با دوران نظم دوقطبی و دوره استعمار فرانو با دوران نظم تک‌قطبی همزمان بوده است. همزمانی ادوار مختلف استعمار با دوران مختلف نظم بین‌المللی مؤید سلطه‌جویانه بودن (هژمونیک بودن) نظم‌های بین‌المللی و نقش قدرت‌های بزرگ در ساخت‌یابی نظم‌های بین‌المللی (نظم‌سازی از بالا) است.

ماهیت هژمونیک نظم‌های بین‌المللی و مدل نظم‌سازی از بالا مبین ویژگی دیگر نظم‌های بین‌المللی؛ یعنی واقع‌گرا بودن آنهاست. اساساً بازیگران نظام بین‌الملل با اتکا به منابع قدرتی که در اختیار دارند در جهت تحقق نظم مطلوب خود در محیط آنارشیکی بین‌المللی و همچنین ایجاد موازنه قوا با سایر بازیگران تلاش می‌کنند. علاوه بر این، از آنجا که در استعمار فرانو، قدرت‌های استعماری به دنبال تحمیل الگوها و نظام ارزشی و هنجاری خود به جوامع مختلف و اشغال فکری و فرهنگی آنها هستند نظم‌سازی بین‌المللی کنونی، نظم‌سازی ملی‌گرایانه است به نحوی که ایالات متحده در نظم کنونی به دنبال جهانی‌سازی آمریکایی یا آمریکایی‌سازی جهان است.

۴. انقلاب اسلامی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک مقاومت

۴-۱. ویژگی‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی بر خلاف بسیاری از انقلاب‌ها، به یک جغرافیای خاص محدود نمی‌شود. بر خلاف انقلاب‌هایی مانند انقلاب فرانسه، انقلاب انگلستان، انقلاب روسیه و انقلاب آمریکا که بر اساس یک قید جغرافیایی به یک کشور خاص محدود می‌شوند، انقلاب اسلامی به دلیل قید اسلامی بودن، گستره وسیعی از جغرافیای جهان، موسوم به جهان اسلام را در بر می‌گیرد. همچنین از آنجا که ارزش‌های والای اسلامی با فطرت بشر سازگار است انقلاب اسلامی که هدف خود را تحقق این ارزش‌ها قرار داده قلمروی خود را در گستره‌ای جهانی تعریف کرده است. بنابراین انقلاب اسلامی را باید یک انقلاب فراملی و فرامرزی در نظر گرفت که هدفش در انداختن طرحی نو در یک گستره جهانی است. از این منظر، وقوع انقلاب اسلامی در ایران نقطه آغاز یک حرکت انقلابی مستمر در جهان با هدف پاسخ به نیازهای فطری بشر نظیر کمال‌جویی، حقیقت‌جویی، آزادی‌خواهی و غیره است.

مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی را یک انقلاب جهانی معرفی کردند: «امام [خمینی] نهضت را جهانی می‌دانست و این انقلاب را متعلق به همه ملت‌های مسلمان، بلکه غیر مسلمان معرفی می‌کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹). ایشان در بیانیه گام دوم، شعارهای انقلاب اسلامی را واجد دو ویژگی «همه‌زمانی بودن» و «همه‌مکانی بودن» توصیف کردند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دلزده شوند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۴-۲. توسعه ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی از طریق سیاست صدور اندیشه انقلاب اسلامی

ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها تعریف کرده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). ژئوپلیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی بر روی

اشکال دگرگون‌شونده سلسله مراتب قدرت در جهان می‌پردازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۶۳-۶۲). یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرط‌های توسعه ژئوپلیتیکی یک واحد سیاسی، توسعه ایدئولوژیکی آن واحد سیاسی است. در واقع بدون توسعه نظام ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های یک انقلاب یا یک سازمان یا یک دولت در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، امکان توسعه ژئوپلیتیکی آن فراهم نخواهد شد. علاوه بر این، توسعه ایدئولوژیکی و به دنبال آن توسعه ژئوپلیتیکی امنیت‌آفرین است و می‌تواند امنیت منبع و جغرافیای انتشار ایدئولوژی را تأمین کند. از این رو، متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست توسعه ایدئولوژیکی در دستور کار قرار گرفت و گفتمان صدور تفکر انقلاب از سوی امام خمینی (ره) مطرح شد.

انقلاب اسلامی که نظام جمهوری اسلامی ایران مولود است دارای آرمان‌های فراگیر و جهان‌شمول است. یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی آن است که این انقلاب و آرمان‌هایش حد و مرزی برای خود نمی‌شناسند و در پی قطع سلطه و نفوذ قدرت‌های بزرگ در کشورهای اسلامی و در نهایت آزادی همه ملت‌های مستضعف جهان از قید و بند ابرقدرت‌های جهانی می‌باشد. از این رو انقلاب اسلامی، رستگاری و سعادت انسان‌ها را حتی در دورترین نقاط عالم به عنوان هدف نهایی خود برگزیده است (جمالی، ۱۳۷۹: ۸۳).

اگر چه انقلاب اسلامی در ظرف جغرافیایی ایران به پیروزی رسید و به تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران منجر شد اما در محدوده جغرافیایی ایران باقی نماند و به دلیل آرمان‌ها و اندیشه‌های بلند جهان‌شمول خود، در عرصه جهانی گسترش پیدا کرد. راهبرد جهانی‌سازی انقلاب اسلامی در طول سال‌های پس از انقلاب از طریق ایده صدور انقلاب پیگیری شد. امام خمینی (ره) در مورد ضرورت صدور انقلاب تصریح کردند: «ما انقلاب‌مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الاالله و محمدرسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۵۸). امام خمینی در پیام‌شان خطاب به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام که به مناسبت ایام حج صادر شد تأکید کردند: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلاب‌مان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی (ص) است به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خوران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه

را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداه هموار می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۶).

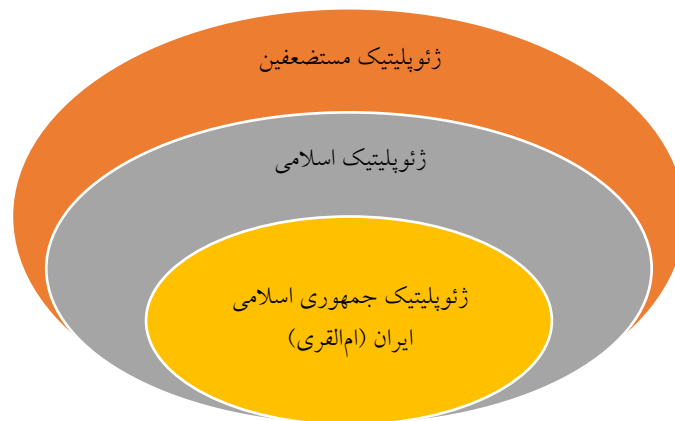
رهبر کبیر انقلاب اسلامی با درک درست از احتمال برداشت‌های غلط از مفهوم صدور انقلاب و تلقی آن به کشورگشایی، صدور انقلاب اسلامی را به معنای بیدار کردن ملت‌ها دانستند و بر عدم مداخله در امور کشورها تاکید کردند: «این که می‌گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت‌سلطه بودنی که هستند و از این که همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند» (امام خمینی، ۱۳۵۹).

رهبر معظم انقلاب اسلامی هم هدف از صدور انقلاب را آگاه کردن ملت‌های جهان معرفی کردند: «امام از این ابائی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمی‌کنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمی‌کنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملت‌ها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملت‌های مسلمان بدانند که هویت‌شان چگونه است و کجاست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان‌هذه امتکم امه

واحد و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد». همچنین در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت جمهور اسلامی ایران موظف به «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

در پی صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در محیط بیرونی، سه حوزه ژئوپلیتیکی شکل گرفت. این سه حوزه ژئوپلیتیکی عبارتند از: «ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران» یا «ژئوپلیتیک ام‌القری»، «ژئوپلیتیک اسلامی» و «ژئوپلیتیک مستضعفین». وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ و متعاقب آن استقرار نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸، باعث شکل‌گیری اولین حوزه ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی شد. در ادامه، ظهور و قدرت‌یابی نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام و توفیق برخی از آنها در دولت‌سازی یا مشارکت در دولت، زمینه شکل‌گیری ژئوپلیتیک اسلامی را فراهم کرد. علاوه بر این، حمایت جنبش‌ها و دولت‌های ضدامپریالیستی در نقاط مختلف جهان به‌ویژه در آمریکای لاتین از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، به شکل‌گیری سومین حوزه ژئوپلیتیکی؛ یعنی ژئوپلیتیک مستضعفین منجر شد.



نمودار شماره ۱: حوزه‌های ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی (منبع: نگارنده)

۳-۴. راهبردهای صدور انقلاب

در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صدور انقلاب عمدتاً از طریق چهار روش الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش صورت گرفته است (محمدی، ۱۳۸۷: ۷۲).

الف. الگوسازی: منظور از الگوسازی، تحقق حاکمیت ارزش‌های اسلامی و تقویت بنیه اقتصادی و دفاعی در کنار بازسازی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نحوی که جمهوری اسلامی ایران بتواند هم‌گام با مقتضیات زمان، نمونه مناسبی از جامعه اسلامی را در معرض دید مسلمانان جهان قرار دهد، می‌باشد. امام خمینی (ره) خطاب به جمعی از دانشجویان ورزشکار که برای مسابقات عازم خارج از کشور بودند فرمودند: «شما نمونه باشید در کشورهای دیگر که شماها از جمهوری اسلامی هستید. ما امروز احتیاج به این داریم که اسلام را در هر جا تقویت کنیم و در هر جا پیاده کنیم و از مملکت خودمان اسلام را به جاهای دیگر به آن معنایی که در مملکت الآن حاصل شده است صادر کنیم و یکی از وجه صدورش همین شما جوان‌ها هستید که در سایر کشورها می‌روید و جمعیت‌های زیادی به تماشای شما می‌آیند، به تماشای قدرت‌های شما می‌آیند. باید طوری بکنید که این جمعیت‌های زیاد را دعوت کنید عملاً به اسلام. در اعمال‌تان، در رفتار‌تان، در کردار‌تان طوری باشید که نمونه باشد برای جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم ان شاء الله برود. ... ملت‌ها باحق‌اند، ملت‌ها با چیزهایی هستند که، ارزش‌هایی هستند که ارزش‌های انسانی است. این دولت‌ها هستند که بسیاری از آنها از این ارزش‌های انسانی هیچ اطلاعی ندارند. شما هم وقتی که آنجاها می‌روید با ملت‌ها تماس دارید و ملت‌ها به تماشای شما می‌آیند. همان طوری که عرضه می‌دارید ارزش‌های بدنی خودتان را، قدرت‌های بدنی خودتان را و برای ایران ارزش قائل می‌شوید و ارزش ایران را به آنها حکایت و نمایش می‌دهید، ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های اعمالی، ارزش‌های عقیدتی، اینها هم توسط خود شما ان شاء الله در آنجاها منتشر بشود. و در اینجا هم، و ایران هم که هستید به خدمت این جامعه باشید» (امام خمینی، ۱۳۶۰).

ب. تبلیغ: رویکرد دیگر در صدور انقلاب رویکرد تبلیغی می‌باشد به نحوی که اندیشه‌ها، اهداف و آرمان‌های انقلاب از طریق روش‌های مناسب تبلیغی در معرض توجه همه جهانیان قرار

گیرد تا اولاً این اندیشه‌ها و آرمان‌های بلند در محدوده مرزهای کشور محصور نماند و ثانیاً با اقدامات دشمن در ایجاد تصویر نادرست از انقلاب مقابله شود. حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه تصریح کردند: «ما می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد. ما می‌خواهیم تبلیغات گسترده‌ای را که کمونیست‌ها و دیگران بر ضد اسلام می‌کنند، با تبلیغات صحیح خنثی کنیم و بگوئیم که اسلام همه چیز دارد. اسلام مثل مسیحیت کنونی نیست» (امام خمینی، ۱۳۶۲).

ج. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش: یکی از راهبردهای اساسی که از ابتدای انقلاب در دستور کار مسئولان نظام قرار گرفت و با گنجانده شدن در قانون اساسی، برای مسئولان سطوح عالی نظام و سایر مسئولان در بخش‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی الزام‌آور گردید، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش است. جهانی‌شدن انقلاب اسلامی و تحقق اهداف جهانی آن هدف اصلی این راهبرد است. حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس در فلسطین و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق از جمله جنبش‌های اسلامی آزادی‌بخشی هستند که با حمایت جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را آغاز کردند.

د. آموزش: یکی دیگر از راهبردهای صدور انقلاب، آموزش افراد هم‌سو و هم‌گرا با آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی می‌باشد. ایجاد امکان ادامه تحصیل دانشجویان و طلاب خارجی در ایران، تأسیس مراکز و رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور و اقداماتی از این قبیل، با هدف صدور انقلاب صورت گرفته است.

تأثیر ژئوپلیتیک مقاومت بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری محور مقاومت به مثابه یک حوزه ژئوپلیتیکی و یک کیان هویتی، تأثیرات عمیقی را بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. از آنجا که انقلاب اسلامی یک انقلاب تمدنی است تأثیرات آن نیز به یک بعد محدود نمی‌شود. در ادامه، تأثیرات انقلاب اسلامی در ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تأثیرات نرم‌افزاری

استاوروس استاوریانوس^۱ در کتاب شکاف جهانی می‌نویسد: «زمانی که یک نظام اجتماعی منزوی یا یک ساختار سیاسی نابود می‌شود و جای خود را به نظام اجتماعی یا ساختار سیاسی دیگری می‌دهد، در این فرایند جابجایی، رهبری جوامع را احتمالاً نه جوامع ثروتمند و سنتی در مرکز، بلکه جوامع واقع در مناطق پیرامونی برعهده خواهند داشت» (استاوریانوس، ۱۳۹۲: ۴۸ و ۴۹).

با پایان جنگ سرد و خاتمه یافتن تقابل دو ابرقدرت جهانی، دوره جهان دوقطبی به پایان رسید. در مواجهه با شرایط جدید، اندیشمندان به این فکر افتادند در دوران جدید که امپراطوری شرق به ده‌ها کشور تقسیم شده و به تاریخ پیوسته است، سرنوشت جهان چه خواهد شد. از این‌رو نظریه‌های متعددی در تحلیل وضعیت موجود و ترسیم آینده بشر مطرح شد. در این رابطه ساموئل هانتینگتون^۲ با طرح نظریه «برخورد تمدن‌ها» و فرانسیس فوکویاما^۳ با طرح نظریه «پایان تاریخ» به شهرتی جهانی دست یافتند. فوکویاما که از طرفداران ایده تک قطبی به‌شمار می‌رود با تأکید بر «جهانی‌سازی»، خواستار شناسایی ایالات متحده آمریکا به عنوان آخرین ابرقدرت در سطح جهان شد و در مقابل، هانتینگتون ایده «یک‌قطبی - چندقطبی» را مطرح کرد (بوزان، ۱۳۹۰: ۷۵). گزاره اصلی هانتینگتون بر این ادعا استوار است که برای ملت‌هایی که به جستجوی هویت یا بازآفرینی آن پرداخته‌اند، وجود دشمن، ضرورتی حیاتی است و دشمنی‌های بالقوه در خطوط گسل تمدن‌های اصلی شکل می‌گیرد (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۸).

فروپاشی شوروی در سال‌های پایانی قرن بیستم، جوامع را تا حد زیادی از فشارهای ناشی از رقابت ایدئولوژی‌های کمونیسم و لیبرال-دموکراسی رهانید و آنها توانستند هویت خود را نه بر اساس عوامل سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک، بلکه بر اساس عوامل فرهنگی مانند مذهب و قومیت بازسازی کنند. در دوران جدید، جوامع آزاد شده از فشارها و رقابت‌های ایدئولوژیک، به گفتمان‌های نوظهور گرایش پیدا کردند و هویت خود را در قالب این گفتمان‌ها بازسازی کردند؛

1. Stavros Stavrianos
2. Samuel Huntington
3. Francis Fukuyama

گفتمان‌هایی که با مبانی اعتقادی و فرهنگی آنها تا حد زیادی سازگاری دارد. این گفتمان‌ها در پاره‌ای موارد در تقابل با یکدیگر، موجد رقابت‌ها و منازعات هویتی شدند. فرایند جهانی شدن، مرزها را بیش از گذشته نفوذپذیر کرده است و از این طریق تا حد زیادی منابع و شرایط لازم برای هویت‌سازی و معناسازی سنتی را از بین برده است. بحران هویت به وجود آمده ناشی از بی‌اعتباری منابع هویت‌زای پیشین، بازسازی هویت را ناگزیر می‌کند؛ به همین دلیل بستر اجتماعی لازم برای خاص‌گرایی فرهنگی یا بنیادگرایی فرهنگی فراهم می‌شود (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۷۰-۲۶۸). در واقع در یک فرایند دیالکتیکی، جهانی شدن فرهنگ یا عام‌گرایی فرهنگی (تز)، در خود، خاص‌گرایی فرهنگی (آنتی‌تز) را ایجاد می‌کند و متعاقب آن، هویت فرهنگی جدید (سنتز) ظهور می‌کند.

در فرایند نوسازی، در اثر ورود ارزش‌های جدید و عدم جذب کامل آنها و یا ناسازگاری برخی از آنها با عناصر و مجموعه‌های فرهنگی بومی، بسیاری از هویت‌های محلی دچار بحران می‌شوند و خلأ هویتی به وجود می‌آید. این خلأ هویتی، تنها با عوامل فرهنگی و مذهبی قابل جبران است؛ عواملی که به صورت طبیعی، اصطکاک و درگیری اقوام و ملت‌ها را افزایش می‌دهد. بسیاری بر این باورند، افراط‌گرایی مذهبی در خاورمیانه و سایر درگیری‌ها و منازعات در سراسر جهان را می‌توان بر این اساس تحلیل کرد؛ از آنجا که برخی جوامع غیرغربی، فرهنگ و ارزش‌های نظام لیبرال - دموکراسی غرب به‌ویژه آمریکا را به عنوان عامل اساسی در استحاله و تخریب فرهنگ بومی خود می‌دانند، احساسات هویت‌جویانه آنها بر اساس عوامل قومی، مذهبی و نژادی و در جهت تقابل با آمریکا به عنوان نماینده و نماد فرهنگ غربی، شکل می‌گیرد. هانتینگتون پیش‌بینی کرده است تمدن‌هایی که هویت آنها بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی درون‌زا شکل گرفته است، در نهایت تمدن غرب را به چالش خواهند کشید. هانتینگتون با پیش‌بینی برخورد تمدن‌ها معتقد است با توجه به اینکه تمدن غرب، هنوز هم قدرتمندترین تمدن موجود در جهان به‌شمار می‌رود، تقابل تمدن‌های روبه‌رشد جدید نه با یکدیگر بلکه با تمدن غرب صورت خواهد گرفت، حادثه‌ای که که توسط مفسرین نظریه برخورد تمدن‌ها، با اصطلاح «بقیه در مقابل غرب» تبیین می‌شود (Connely and Kennddy, 1994: 61 - 68). ملت‌هایی که مصمم به دستیابی به

استقلال سیاسی و اقتصادی‌اند نبرد با امپریالیسم در اشکال گوناگونش را به‌صورت جدی دنبال می‌کنند و روزه‌روز بر شدت و دامنه این تقابل افزوده می‌شود. (استاوریانوس، ۱۳۹۲: ۲۰)

هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ سرد، گفتمان مقاومت که بر هویت‌یابی نیروهای اجتماعی در مناطق پیرامونی مبتنی است، به‌تدریج گسترش یافت و قدرتمند شد. گفتمان مقاومت اسلامی که هم‌زاد انقلاب اسلامی در ایران است با تکیه بر مبانی اسلامی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، انرژی فراوانی را در جهت مقابله با مبانی ایدئولوژی‌های غیرالهی و هویت‌بخشی به جوامع اسلامی تولید کرد و منشأ تحولات عظیمی در سطح منطقه گردید. به‌موازات چنین فرایندی، نظام سلطه با تولید پادگفتمان‌های مقاومت و از طریق نیروها و گروه‌های سلفی و تکفیری مانند داعش، تلاش کرد امواج مقاومت و هویت‌یابی منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی را در منطقه کنترل و محدود کند. (متقی، ۱۳۹۲: ۷۸).

تأثیرات سخت‌افزاری

توسعه ژئوپلیتیک انقلاب اسلامی در چهل سال اول، دستاوردهای بزرگی را برای ملت ایران و همه ملت‌های آزاده جهان به همراه داشته است و نظم منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و برخی دیگر از مناطق جغرافیایی که در سایه این توسعه ژئوپلیتیکی رخ داده، جمهوری اسلامی ایران را در مسیر مقابله با تهدیدهای متنوع و ترکیبی دشمنان انقلاب اسلامی توانمند کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم در این رابطه تصریح کردند: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما

و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

روند توسعه ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی در چهار دهه نخست که به تولید قدرت و افزایش توانایی‌های نیروهای انقلابی در سراسر جهان برای دفاع از ارزش‌ها و تحقق آرمان‌ها منجر شد الگوی مناسبی برای تداوم حرکت انقلابی در گام دوم است. به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی، «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

ویژگی‌های نظم‌سازی عادلانه

حاکمیت نسبی نظم بین‌المللی به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد بر کنش بازیگران در روابط بین‌المللی عمدتاً به زمان تشکیل دولت‌های مدرن بازمی‌گردد. در این دوران، این نظم عمدتاً در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی و بر اساس تعریف هابزی از نظام بین‌الملل شکل گرفت و استقرار پیدا کرد. در ادامه ضمن معرفی ویژگی‌های نظم بین‌المللی در دوران مدرن، به بایسته‌های نظم‌سازی مطلوب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی و با استفاده از ظرفیت‌های محور مقاومت پرداخته خواهد شد.

پارادایم نظم‌سازی

تحولات نظام بین‌الملل بیش از آن که ناشی از توافق بازیگران قدرتمند و محصول همکاری آنها باشد در اثر روندهای معطوف به تراژید و تنازل قدرت بازیگران و و ترازسنجی آنها از قدرت یکدیگر شکل می‌گیرد. بر این اساس، ادراک‌های تهدیدآمیز بازیگران از یکدیگر از بین می‌روند، به وجود می‌آیند و کاهش یا افزایش می‌یابند و متعاقب آن، نظم جهانی بر اساس این ادراک‌ها

دچار تغییر و تحول می‌شود. پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی یکی از دو ابرقدرت جهانی، رهبران ایالات متحده آمریکا که خود را تنها قدرت بلامنازع جهانی تصور می‌کردند مفهوم نظم نوین جهانی را برای دلالت به شرایط جدید حاکم بر نظام بین‌الملل مطرح کردند. تلقی آنها از شرایط جدید شامل از بین رفتن یک تهدید جدی و فراهم شدن زمینه برای اعمال یکجانبه هژمونی آمریکا بر سراسر جهان بود. اگر چه در ادامه، سردمداران آمریکا خیلی زود متوجه شدند تحقق و تداوم هژمونی آمریکا در جهان، بدون وجود یک تهدید جدی ممکن و میسر نخواهد بود؛ از این رو، تهدیدهای جدیدی مانند محور شرارت^۱ شامل ایران، عراق و کره شمالی به عنوان تهدیدهای جدید مطرح شدند. در این راستا، پروژه‌های اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی نیز برای عینیت بخشیدن به تهدید علیه نظم موجود اجرایی و عملیاتی شدند.

مفروضات واقع‌گرایی مانند آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و وجود وضعیت «جنگ همه علیه همه»، «اصالت سود» و «تعیین کننده بودن قدرت» پایه‌های نظم واقع‌گرایانه کنونی را شکل داده است. بدیهی است تازمانی که نظم جهانی کنونی یا آینده بر پایه بنیان‌های واقع‌گرایی شکل گرفته باشد بازیگران ضدسیستم نیز باید برای تحصیل منافع خود به دنبال حداکثری کردن قدرت باشند و در پارادایم واقع‌گرایی کنشگری کنند. اما با توجه به ماهیت نرم انقلاب اسلامی و گفتگوی انقلاب اسلامی با فطرت انسان‌ها، نمی‌توان و نباید نسبت به جنبه‌های ایده‌گرایانه نظم جدید جهانی غفلت کرد. از آنجا که انقلاب اسلامی به عنوان پی‌ریزی تمدن جدید با مختصات الهی است و با توجه به این که هر تمدنی به صورت توأمان واجد ابعاد سخت و نرم است در نظم‌سازی و نظام‌سازی جهانی نیز باید به صورت توأمان واقع‌گرایانه و ایده‌گرایانه عمل کرد.

جهت نظم‌سازی

همان گونه که در نظم‌سازی در داخل هر یک از واحدهای سیاسی (کشورها) دو گونه از نظم‌سازی ناظر به نظم‌سازی از بالا و نظم‌سازی از پایین وجود دارد^۲ در نظم‌سازی بین‌المللی نیز می‌توان این دو سبک از نظم‌سازی را در نظر گرفت. در نظم‌سازی از بالا، قدرت‌های دارای تفوق

1. Axis of Evil

۲. فرایند نظم‌سازی از بالا مترادف دولت‌سازی است و فرایند نظم‌سازی از پایین معادل ملت‌سازی در نظر گرفته می‌شود. به فرایند نظم‌سازی از بالا و پایین به صورت توأمان، دولت - ملت‌سازی گفته می‌شود.

نظامی و اقتصادی، نظام بین‌الملل را بر اساس منافع خود شکل می‌دهند و در این فرایند به منافع کشورهای کمترقدرتمند یا ضعیف توجهی نمی‌کنند. در مقابل، در نظم‌سازی از پایین، همه بازیگران نظام بین‌الملل برای تحصیل منافع عمومی نقش آفرینی می‌کنند.

تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد قوی‌ترین و فراگیرترین نظم‌ها در تاریخ دنیای مدرن - از نظم وستفالیایی در قرن هفدهم تا نظم لیبرال در قرن بیستم - در خدمت منافع بشریت نبوده‌اند و هنجارها، نهادها، رژیم‌های و ساز و کارهای بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ برای تحصیل منافع خود ایجاد شده‌اند. نظم کنونی در یک فرایند نظم‌سازی از بالا شکل گرفته است و کشورهای حاشیه‌ای، پیرامونی، ضعیف یا توسعه‌نیافته نقشی در شکل‌دهی این نظم نداشته‌اند. شکل مطلوب نظم‌سازی از منظر انقلاب اسلامی، نظم‌سازی از پایین و نقش‌یابی و مشارکت‌یابی همه بازیگران در این فرایند است. بدیهی است فرایند نظم‌سازی از پایین، ثبات نظام بین‌الملل و تسامح و تساهل بازیگران نسبت به یکدیگر را افزایش خواهد داد.

ماهیت نظم‌سازی

ایده ایجاد نظم فراگیر در روابط بین‌الملل متعاقب جنگ‌های ۳۰ ساله اروپا که با قرارداد صلح وستفالی به پایان رسید مطرح شد. اصطلاح نظم جهانی نیز عمدتاً به پویایی‌های سیاست بین‌الملل در قرن بیستم به ویژه تحولات بعد از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. پس از جنگ جهانی اول جامعه ملل ۱ به عنوان یک سازمان بین‌المللی باهدف ایجاد یک کنسرت جهانی برای حل و فصل اختلافات بین کشورها تأسیس شد. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد از سوی کشورهای پیروز با هدف اعلامی جلوگیری از جنگ در آینده جایگزین جامعه ملل شد. در واقع، کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم پایه‌های نظم جهانی را در راستای تحقق منافع خود بنا نهادند. وقوع جنگ‌های متعدد خونبار در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در حالی روی داد که بسیاری از این جنگ‌ها از سوی قدرت‌هایی که خود را ضامن نظم و امنیت جهانی معرفی می‌کنند آغاز شده است. اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳ که به کشته و زخمی و

۱. در پی کنفرانس صلح پاریس که رسماً به جنگ جهانی اول پایان داد جامعه ملل به عنوان یک سازمان بین‌المللی در دهم ژانویه ۱۹۲۰ تأسیس شد. اهداف این سازمان جلوگیری از وقوع جنگ از طریق امنیت دسته‌جمعی، خلع سلاح، و حل اختلاف‌های بین‌المللی از راه مذاکره و حکمیت بود.

آواره شدن میلیون‌های انسان بی‌گناه منجر شد نشان می‌دهد نظم جهانی یک نظم هژمونیک برای تأمین منافع قدرت‌های هژمون است. در این نظم، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد که تحت سلطه قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا قرار دارند در پیشگیری از جنگ و خشونت و حل معضلات و بحران‌های موجود در جهان ناکارآمدند. قدرت‌های بزرگ از این قبیل ساختارها و سازمان‌ها برای تحمیل سلطه خود استفاده می‌کنند.

نظم‌سازی هژمونیک به دلیل ماهیت زورمدارانه، زرمدارانه و فریبکارانه‌ای که دارد در ذات خود تنش‌زاست و بی‌قراری دائمی جوامع یا دولت‌های فرودست برای تغییر مناسبات موجود را به دنبال دارد. از این رو، نظم‌سازی غیرهژمونیک به نحوی که هیچ بازیگری نتواند با استفاده از ابزارهای مختلف مانند زور اراده خود را بر بازیگر دیگر تحمیل کند مطلوب است.

محتوای نظم‌سازی

در نظم‌سازی ملی‌گرایانه، هر یک از بازیگران بیش از آن که به دنبال مصالح و منافع عمومی نوع بشریت در سراسر جهان باشند منافع ملی خود را جستجو می‌کنند. در نظم‌سازی ملی‌گرایانه، هویت‌های محلی مانند هویت ملی، قومی، مذهبی، سیاسی و غیره بر هویت‌های فراملی اولویت پیدا می‌کنند و این قبیل هویت‌ها تلاش می‌کنند الزامات خود را بر نظام بین‌الملل تحمیل کنند. آمریکایی‌کردن ۱ جهان یا جهانی‌سازی آمریکایی‌ناشی از رویکرد ملی‌گرایانه در برسازي نظم بین‌المللی در ابعاد مختلف از جمله بُعد فرهنگی است.

اندرو لینکلتر ۲ دولت را ابزاری برای بیرون‌گذاری ۳ و درون‌گذاری ۴ می‌داند. بر این اساس، وی معتقد است در دولت‌ها همواره تعقیب منافع داخلی به منافع بیرونی ارجحیت پیدا می‌کند. لینکلتر دولت‌ها را به مثابه حاکمیت‌های جداگانه و واحدهای مستقل که مستلزم وجود مرزبندی‌ها هستند ضد روابط بین‌الملل تلقی می‌کند؛ زیرا دولت‌ها مانع ایجاد اجتماع انسانی و باعث جدا کردن جوامع و افزایش فاصله آنها از یکدیگر می‌شود. از آنجا که هر یک از دولت‌ها منافع، امنیت و اهداف خود را در اولویت قرار می‌دهد نظم بین‌المللی همواره در جهت تأمین منافع ملی

1 . Americanization
2 . Andrew Linklater
3 . exclusion
4 . inclusion

قدرت‌های بزرگ سامان یافته است. از این رو، وضعیت مطلوب شکل‌گیری نظم جدیدی است که به منافع بیرونی توجه بیشتری داشته باشد. البته هدف از بیرون‌گذاری نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی یا سرکوب تفاوت‌ها نیست بلکه هدف، ایجاد اجماع اخلاقی و سیاسی در امور بین‌المللی است (خضری، ۱۳۸۸: ۸۱).

جدول ۴. مقایسه ویژگی‌های نظم‌سازی بین‌المللی

ویژگی‌های نظم‌سازی بین‌المللی			
مطلوب انقلاب اسلامی (نظم‌سازی عادلانه)		در دوران مدرن (نظم‌سازی ناعادلانه)	
واقع‌گرایانه و ایده‌گرایانه	واقع‌گرایانه	پارادایم	ابعاد نظم‌سازی بین‌المللی
از پایین	از بالا	جهت	
غیرهژمونیک	هژمونیک	ماهیت	
غیرملی‌گرایانه	ملی‌گرایانه	محتوا	

نتیجه‌گیری

برای تاریخ روابط بین‌الملل می‌توان ادوار مختلفی را تعیین کرد. در هریک از این دوره‌ها، روابط بین‌الملل تحولات معینی را تجربه کرده است. در هر دوره، صورت‌بندی‌های مختلف و متنوعی از روابط بین‌الملل تحت تأثیر کیفیت و کمیت توزیع قدرت بین بازیگران نظام بین‌الملل ظهور کرده است. در دوران مدرن و از زمان تشکیل دولت‌های مدرن، رویکرد موازنه قوا در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی بر روابط بین‌الملل حاکم بوده و بر این اساس، در هر دوره تاریخی نظم خاصی در جهان استقرار یافته است. ویژگی‌های نظم‌سازی در این دوره، نظم‌سازی در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی، نظم‌سازی از بالا، نظم‌سازی هژمونیک و نظم‌سازی ملی‌گرایانه بوده است. این خصایص باعث ظهور و استقرار نظم جهانی ناعادلانه در ادوار مختلف شده است. بررسی تاریخ استعمار نیز نشان می‌دهد هر یک از ادوار سه گانه استعمار کهن، نو و فرانو با دوره خاصی از نظم بین‌المللی ناعادلانه مقارن بوده است. قدرت‌های استعمارگر با در نظر گرفتن تحولات و اقتضات محیطی، در هر دوره تاریخی، نظم استعماری مطلوب خود را بر نظام

بین‌الملل حاکم کرده‌اند تا بتوانند از طریق تحمیل سلطه خود بر کشورهای جهان، اهداف خود را محقق و منافع خود را تأمین کنند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در ادامه، صدور اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شکل‌گیری یک حوزه ژئوپلیتیکی و یک کیان هویتی ویژه به نام محور مقاومت شده است. شکل‌گیری محور مقاومت - که در آن، بازیگران ضدسیستم و مخالف با نظم غیرعادلانه برای دستیابی به منافع عقیدتی، هویتی و مادی مشروع خود تلاش می‌کنند - بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و نظم غیرعادلانه موجود تأثیرگذار بوده است.

روندهای کلان جهانی مانند افول آمریکا، ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی و نظامی و افزایش مقاومت در مقابل ساز و کارهای نظم ناعادلانه موجود توسط بازیگران و مجموعه‌های دفاعی - امنیتی ضد سیستم مانند محور مقاومت، باعث سست پایه‌های نظم غیرعادلانه کنونی و زمینه‌ساز ایجاد نظم جدید بین‌المللی شده است. از آنجا که نظم جدیدی در سطح بین‌المللی در حال ظهور است ضروری است جمهوری اسلامی از ظرفیت‌های خود و متحدانش برای نقش‌آفرینی بر روندهای سازنده نظم آینده منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند. یکی از این ظرفیت‌ها، محور مقاومت به عنوان یک حوزه ژئوکالچری و ژئوپلیتیکی است. محور مقاومت که یک مجموعه دفاعی - امنیتی منطقه‌ای است که تجربه موفق در مقاومت در مقابل نظم ناعادلانه کنونی و استقرار نسبتاً موفق یک نظم عادلانه در منطقه غرب آسیا داشته است. از این رو می‌تواند در روند و فرایند نظم‌سازی و استقرار نظم جدید نیز نقش‌آفرین باشد.

نظم مطلوب محور مقاومت که ویژگی‌های آن در چارچوب منظومه ارزشی، فکری و گفتمانی انقلاب اسلامی تعبیر و تفسیر می‌شود در نقطه مقابل نظم‌سازی دوران مدرن قرار دارد. ویژگی‌های نظم‌سازی مطلوب محور مقاومت «نظم‌سازی ایده‌گرایانه و واقع‌گرایانه»، «نظم‌سازی از پایین»، «نظم‌سازی غیرهژمونیک»، و «نظم‌سازی غیرملی‌گرایانه» است.

فهرست منابع

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۸) پیام به ملت ایران به مناسبت اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۱۱/۲۲.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۹) بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۲۸.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۰) بیانات در جمع ورزشکاران و تیم‌های فوتبال منتخب تهران، ۱۳۶۰/۱۲/۱۶.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۲) بیانات در جمع اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲/۶/۲.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۶) پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام، ۱۳۶۶/۵/۶.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱) بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۱/۱۰/۲۲.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۴۰۱/۲/۶.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹) بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹) بیانات در مراسم فارغ التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۰۸/۱۷.
- استاوریانوس، لفتن استاوروس (۱۳۹۲) شکاف جهانی، سیر شکل‌گیری جهان سوم، ترجمه رضا فاضل، تهران: ثالث.
- اسمعیلی اردکانی، علی و میرمحمدی، مهدی (۱۴۰۲) ایران و نظم بین‌المللی جدید در پرتو وضعیت سه‌گانه سازنده، مخالف و پذیرنده، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۷۰، بهار: ۴۰ - ۱۵.
- بوزان، باری (۱۳۹۰) ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ، سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه عبدالحمیدحیدری، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳) جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- جمالی، حسین (۱۳۷۹) تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، تهران: اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.
- جهان‌بین، فرزاد و پرتو، فتح‌اله (۱۳۹۴) سناریوهای آینده نظام بین‌الملل و جایگاه جهان اسلام، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۴، شماره ۱۳، پاییز: ۱۶۸ - ۱۴۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پژوهشکده امیرکبیر.
- خضری، رویا (۱۳۸۸) جایگاه فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز: ۹۰ - ۷۷.

رکابیان، رشید و دلاور، حسین (۱۴۰۱) وضعیت کنونی نظم بین‌المللی، روندهای آینده و پیامد آن برای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۹، شماره ۱، تابستان، : ۲۶۹ - ۲۴۷.

زارعی‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷) استعمار فرانسه، ماهنامه معارف، ش ۶۰، : ۲۰-۱۵.

سیمبر، رضا و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶) تحولات نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و تنوع جدید موازنه قوا، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان، : ۵۱ - ۳۳.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۲) جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹) ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت ایرانی، مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده، تهران: نشر نی.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

متقی، ابراهیم و رضایی، علیرضا (۱۳۸۸) تحلیل مبنای تئوریک نظم جهانی در دوران پساجنگ سرد، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان، : ۲۸۲ - ۲۶۵.

متقی، ابراهیم (۱۳۹۲) گفتمان و پادگفتمان‌های مقاومت در سیاست بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره ۴، پیاپی ۵۶، زمستان.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸) برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Connely, M & Kennedy, P (1994) Must it be The Rest Against The West? The Atlantic, December 1994.

Grinin, Leonid (2023) Evolution of World Order, Russian Science Foundation,

https://www.sociostudies.org/almanac/articles/evolution_of_world_order/

Ikenberry, John (2011) The Future of the Liberal World Order, Foreign Affairs, PP 17-29.

Karimi, H.R; Mousavi Shafae, S.M; Eslami, M (2019). Parallel Institutionalization; A Step on the Way of International Order Peaceful Transition (A ChinaBased Chain Value Vs. American Order), Biannual Journal of International Political Economy Studies, Vol.2, Issue 2.

Lake, David A. & Martin, Lisa L. & Risse, Thomas (2021) Challenges to the Liberal Order: Reflections on International Organization, International Organization, Cambridge University Press.

<https://www.cambridge.org/core/journals/international-organization/article/abs/challenges-to-the-liberal-order-reflections-on-international-organization/2FE0E2621F702D1DD02929526703AED3>

Lascurettes, Kyle M. (2020) Orders of Exclusion: Great Powers and the Strategic Sources of Foundational Rules in International Relations, Oxford University Press.

Lascurettes, Kyle M. & Poznansky, Michael (2021) International Order in Theory and Practicelocked, International Studies, Oxford University Press,

<https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.673>

